

مدیریت ورزشی - بهار ۱۳۹۲
شماره ۱۶ - ص ص : ۵۴ - ۳۹
تاریخ دریافت : ۹۰ / ۰۸ / ۱۴
تاریخ تصویب : ۹۰ / ۱۲ / ۲۳

رابطه بین طرحواره‌های اخلاقی و رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز در کشتی‌گیران استان گلستان

۱. مه‌رمان سرداری^۱ - ۲. سیده زلیخا هاشمی - ۳. نورالله گراوند - ۴. علی ناظمی

۳. کارشناس ارشد دانشگاه اصفهان، ۲. استادیار دانشگاه پیام نور، ۴. کارشناس ارشد دانشگاه تهران

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین طرحواره‌های اخلاقی با رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز است. روش تحقیق از نوع توصیفی - همبستگی است که به شیوه میدانی انجام گرفت. به این منظور از بین کشتی‌گیران استان گلستان ۳۴۱ نفر به صورت خوشه‌ای برای پاسخگویی به پرسشنامه‌های آزمون تبیین مسائل (Dit2) رست و همکاران و مقیاس عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز راسینسکی انتخاب شدند. پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ نمونه مقدماتی به ترتیب برابر ۰/۸۷ و ۰/۸۰ ارزیابی شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام انجام گرفت. یافته‌ها حاکی از آن بود که بین طرحواره‌های اخلاقی نفع شخصی و تفکر پس عرفی با رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز رابطه معنادار وجود دارد، ولی رابطه معناداری بین طرحواره پاسداشت هنجارها و رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز مشاهده نشد ($P < 0/05$). نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی نشان داد که از بین طرحواره‌های اخلاقی طرحواره نفع شخصی و طرحواره تفکر پس عرفی رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز را بهتر پیش‌بینی می‌کند.

واژه‌های کلیدی

طرحواره‌های اخلاقی، عدالت اجتماعی، رویکرد نیاز، طرحواره نفع شخصی، طرحواره پاسداشت هنجارها، طرحواره تفکر پس عرفی.

مقدمه

اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است و به گفته بعضی دانشمندان گاه به بعضی اعمال و رفتارهای ناشی از خلقیات درونی انسان نیز اخلاق گفته می‌شود. به دلیل اهمیت و نقش عمده اخلاق در ساماندهی زندگی، اندیشمندان و فیلسوفان همواره در بسط و تبیین مسائل و مفاهیم مربوط به آن کوشیده‌اند. اخلاق با رفتار انسانی و ارزیابی از آن ارتباط دارد و به‌عنوان موضوعی از وجدان فردی دیده می‌شود و هرکس عقیده اخلاقی خود را حق می‌داند. دانشمندان علم اخلاق در مورد عوامل اخلاقی رفتارها اختلاف نظر دارند، اما به‌نظر می‌رسد که اصل رفتار است. رشد اخلاقی، فرد را با توانایی تشخیص دادن درستی از نادرستی درگیر می‌کند. این توانایی ایجاد قضاوت‌های اخلاقی و متعهد شدن در رفتار اخلاقی با بلوغ افزایش می‌یابد (۴).

در روانشناختی از سازوکارها و مفاهیم مختلفی برای توضیح محرک‌ها و رویدادهای زندگی استفاده می‌شود. یکی از قوی‌ترین و پرکاربردترین آنها طرحواره است (۸). طرحواره‌ها را می‌توان ساختارهایی برای بازیابی مفاهیم کلی ذخیره‌شده در حافظه یا مجموعه سازمان‌یافته‌ای از اطلاعات، باورها و فرض‌ها دانست (۱۰). طرحواره‌های اخلاقی به سه بعد نفع شخصی، پاسداشت هنجارها و تفکر پس عرفی تقسیم می‌شوند (۱۸).

طرحواره نفع شخصی که برگرفته از مراحل دوم و سوم مراحل تحول اخلاقی کلبِرگ^۱ است، یک قضاوت یا تعمیم اخلاقی با در نظر گرفتن سهم فردی که یک بازیگر در زنجیره رویدادها و اعمال دارد، از جمله توجه به ملاحظات احتیاطی و نیز دغدغه‌هایی در مورد کسانی که فرد با آنها رابطه عاطفی شخصی دارد، توجیه می‌شود (۲۴).

طرحواره پاسداشت هنجارها برگرفته از مرحله چهارم تحول اخلاقی کلبِرگ دارای جهت‌گیری وظیفه‌گرا و اقتدارگراست. در طرحواره پاسداشت هنجارها قانون بر پایه حس اخلاق‌گرا با نظم ارتباط می‌یابد (۲۴).

طرحواره تفکر پس عرفی که برگرفته از مراحل پنجم و ششم تحول اخلاقی کلبِرگ است، تعهدات اخلاقی بر ایده‌آل‌های مشترک افراد مبتنی است. یعنی تعهداتی که متقابل بوده و واجد ویژگی نقدپذیری و آزمون‌پذیری بابت سازگاری منطقی‌شان هستند، البته بر تجربه اجتماعی اتکا دارند. افرادی که این طرحواره را به‌طور غالب در

1. Kohlberg

استدلال‌ها و قضاوت‌هایشان به کار می‌برند، قراردادهای و عرف‌ها را تغییرپذیر و غیرمطلق می‌دانند، چراکه معتقدند آنها ابزارهای نیل به اهداف اخلاقی هستند و از این رو می‌توان آنها را به بحث و مذاکره دوباره گذاشت (۲۴).

یکی از مقوله‌های بااهمیت و مرتبط با اخلاق، عدالت است که تحقق آن بدون تحول اخلاقی میسر نیست و تحول اخلاقی نیز در گرو اجرای عدالت اجتماعی است و این دو در یکدیگر تأثیر متقابل دارند (۹). عدالت اجتماعی به عدالت توزیعی و عدالت رویه‌ای تقسیم می‌شود. عدالت توزیعی با دو نظریه انصاف و فردگرایی اقتصادی شناخته می‌شود.

دیدگاه برابرخواهی عدالت توزیعی و عدالت رویه‌ای را همزمان دربردارد و دو نظریه بر مبنای آن وجود دارد: نظریه نیاز و نظریه برابری (۶). در رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز رویکرد افراد به این صورت است که مزایا و خدمات اجتماعی نه بر حسب شایستگی استحقاق و دروندادها، بلکه برحسب نیاز افراد باید تقسیم شود. برای مثال اگر فردی دچار محرومیت و فقر است و نیازهای مادی، خدماتی و رفاهی بیشتری دارد، دولت باید برای تأمین احتیاجات او و خانواده‌اش، بالا بردن سطح معیشت و رفاه و نیز ارتقای وضعیت تحصیلی و بهداشتی فرزندان او هزینه‌های بیشتری را اختصاص دهد، بنابراین در این رویکرد، برابری اجتماعی مورد نظر نیست، بلکه توجه به نیاز افراد اهمیت دارد (۱۰).

گانزبورگر، وگنر و نوشیان^۱ (۱۹۷۷) رابطه عدالت اجتماعی و قضاوت اخلاقی (بر مبنای طرحواره‌های اخلاقی) را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که در تخصیص پاداش‌ها به اعضای گروه به اعضای که دچار مشکل و مانعی شده‌اند نیز براساس سهمشان با وجود هدف محقق نشده‌شان پاداش داده می‌شود که البته این کار با کاهش سهم سایر اعضا انجام می‌گیرد (۱۶). میری و هلگاما^۲ (۲۰۰۲) و میدلتین^۳ (۲۰۱۰) در مورد رابطه بین به‌کارگیری قواعد عدالت اجتماعی بیان می‌کنند که بیشتر قواعد عدالت اجتماعی در حل مسائل و دوراهی‌های اخلاقی زندگی واقعی در مقایسه با دوراهی‌های فرضی به کار گرفته شده‌اند (۲۱، ۲۰).

1 . Gunzburger, Wegner and Nooshian

2 . Meyer and Helkama

3 . Middletin

رست^۱ و همکاران (۱۹۹۹) در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که یکی از عناصر اساسی تفکر پس عرفی رابطه متقابل کامل (آگاهی از اینکه هنجارهای اجتماعی ممکن است به سود برخی افراد و به ضرر بعضی دیگر دارای سوگیری باشند) است (۲۴). هلگاما (۲۰۰۳) رابطه تحول قضاوت اخلاقی و قواعد عدالت اجتماعی را در نمونه‌های کوچکی از کارپردازان و پزشکان بررسی کرد و پی برد پاسخ‌دهندگانی که در دوره‌های فرضی کلب‌گرم‌های بیشتری داشتند، در مقایسه با پاسخ‌دهندگان با نمره‌های کمتر قواعد درستی اطلاعات و اخلاقی بودن را به میزان بیشتری در حل مسائل اخلاقی زندگی واقعی به کار می‌بردند (۱۷).

نتایج تحقیق فیشر و سونینی^۲ (۱۹۹۸) و ناروز^۳ (۲۰۰۸) نشان داد نمره‌های قضاوت اخلاقی آزمودنی‌ها وقتی که آنها به معماهای (Dit)^۴ از دیدگاهی محافظه‌کارانه جواب می‌دادند، کاهش می‌یافت (۱۵) (۲۲). به نظر لرنر^۵ (۱۹۹۸) و والکر^۶ (۲۰۰۴) تحول شناختی بر نوع و شیوه توزیعی که افراد انتخاب می‌کنند، تأثیر دارد (۱۹، ۲۶).

حیدری (۱۳۸۵) در تحقیق خود به نام «اخلاق در مربیگری» بیان می‌کند که مربیان و قهرمانان ورزشی باید اخلاقی‌ترین افراد در یک سازمان باشند. عامه مردم پیوسته نظاره‌گر کنجکاو سازمان‌های ورزشی هستند. چشم عامه مردم به سازمان‌های ورزشی است و کمترین انتظار آنها از قهرمانان و مربیان، رعایت اصول اخلاقی در حیطة ورزش و اجتماع به همراه حرفه‌ای‌گری است (۱). سرداری (۸۸) در تحقیق خود روی کشتی‌گیران استان گلستان، بیان می‌کند که افراد نسبت به سطح اخلاقی خود رویکردها و ارزش‌های متفاوتی دارند که در مسیر تکامل و رشد خود این علایق و تفکرات می‌توانند تغییر کنند (۲).

وندورف، الکساندر و فایرستون^۷ (۲۰۰۲)، وندن باس^۸ (۲۰۰۳) و ناروز و بوک^۹ (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که طرحواره‌های اخلاقی به‌طور معناداری پیش‌بینی‌کننده دغدغه‌های متفاوتی در مورد عدالت اجتماعی

-
- 1 . Rest
 - 2 . Fisher and Sweeney
 - 3 . Narvaez
 - 4 . Defining Identity test
 - 5 . Lerner
 - 6 . Walker
 - 7 . Wendorf, Alexander and Fireston
 - 8 . Venden Bos
 - 9 . Narvaez dnd Bock

است (۲۷، ۲۵، ۲۳). ایلیکان و فلیپز^۱ (۱۹۹۸) نشان دادند که بین فرهنگ‌ها از نظر عدالت اجتماعی تفاوت وجود دارد. فرهنگ‌های جمع‌گرا مانند چین بر برابری خواهی و فرهنگ‌های فردگرا مثل آمریکا بر فردگرایی اقتصادی و دیدگاه‌های مبتنی بر تناسب تأکید می‌کنند (۱۳).

کاظمی‌پور (۱۳۸۲) طبق تحقیقی در موج دوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان تصور در مورد عدالت اجتماعی در ۵۱ درصد مردم را به صورت توزیع امکانات به شکل برابر، در ۲۱ درصد برحسب نیاز، در ۲۸ درصد مردم مفهوم عدالت اجتماعی را برحسب توزیع امکانات برحسب شایستگی گزارش داده است (۵).

سیاهپوش (۱۳۸۱) عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان به عدالت و آزادی را بررسی کرد و پی برد که دانشجویان از میان اصولی که براساس آنها عدالت تعریف می‌شود، گرایش زیادی به تعریف عدالت براساس شایستگی و برابری بین افراد دارند، آنها کمتر تعریف عدالت براساس نیاز را می‌پذیرند (۳).

نتایج پژوهش‌های عریضی (۱۳۸۴) (۷)، ولی بیگی (۱۳۷۸) (۱۴) و نوبخت (۱۳۷۳) (۱۲) نشان داد که بین عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز و سطح بالای قضاوت، اخلاقی از نظر آماری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در کشور ما عدالت و فضیلت‌های اخلاقی در ابعاد فکری و اجتماعی آنها همواره مورد توجه نظام خانواده، نظام آموزش و پرورش، سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و ورزشی کشور بوده است، از این رو، بینش و آگاهی در مورد روابط این دو مقوله به ویژه در مورد قشر جوان و آینده‌ساز کشور اهمیت دوچندانی دارد. چراکه آنها از سویی تربیت‌شدگان جامعه امروز و از سوی دیگر، سازندگان جامعه فردا و تربیت‌کنندگان نسل‌های بعدی هستند که این موضوع در مورد ورزشکاران از این نیز فراتر می‌رود، چراکه آنها به عنوان الگوی نسل جوان تلقی می‌شوند، و سطح تحول فکری و اخلاقی آنها می‌تواند موجب ترویج و گسترش فرهنگ‌های اخلاقی مطلوب و توجه به مباحث عدالت اجتماعی و نیازها و احترام به حقوق افراد دیگر در تمام زمینه‌های زندگی شود. از این رو در تحقیق حاضر سعی شده است رابطه بین طرحواره‌های اخلاقی و رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز در کشتی‌گیران به عنوان نماد اخلاقی کشور بررسی شود که آیا به واقع بین این دو ارتباط وجود دارد یا خیر؟ و اگر وجود دارد، کم‌وکیف آن چگونه است؟ در ایران تحقیق مستندی در این حوزه انجام نگرفته، امید است که تحقیق حاضر گامی کوچک در راستای ارتقای اخلاق در ورزش بردارد.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی از نوع همبستگی است که به صورت میدانی روی کشتی‌گیران استان گلستان انجام یافته است. از آنجا که جمعیت کشتی‌گیران استان براساس آمار هیأت کشتی حدود ۳ هزار نفر است، برطبق جدول مورگان^۱ ۳۴۱ نفر نمونه آماری انتخاب شدند که این تعداد به صورت خوشه‌ای از بین شهرها و باشگاه‌های مختلف تنظیم شدند و با در نظر گرفتن مسئله احتمال ناقص ماندن برخی پرسشنامه‌ها و عودت ندادن برخی دیگر ۴۰۰ پرسشنامه بین کشتی‌گیران توزیع شد. از ۴۰۰ پرسشنامه توزیع شده ۳۷۵ پرسشنامه عودت داده شد که ۳۵۰ مورد آن معتبر و واجد شرایط نمره‌گذاری شناخته شد.

برای گردآوری اطلاعات از دو پرسشنامه استفاده شد. نخست پرسشنامه آزمون تبیین مسائل (Dit2) که توسط رست و همکاران (۱۹۹۹) ساخته شده و برای سنجش طرحواره‌های اخلاقی استفاده می‌شود و شامل ۵ داستان است که دوراهی یا معماهای اخلاقی را برای آزمودنی مطرح می‌کند. برای نمره‌گذاری آزمون تبیین مسائل ۲ پس از آنکه پاسخ‌دهنده به آزمون، میزان اهمیت ۱۲ پرسش مربوط به هر موقعیت فرضی (داستانی) دربرگیرنده یک چالش اخلاقی را مشخص کرد و از بین پرسش‌های مذکور، چهار مورد را که از نظر او بیشترین اولویت را دارند به ترتیب اولویت رتبه‌بندی کرد. به این اولویت‌ها برحسب ترتیب آنها ضرایبی داده می‌شود. به این صورت که اولویت نخست ضریب ۴، اولویت دوم ضریب ۳، اولویت سوم ضریب ۲ و اولویت چهارم ضریب ۱ می‌گیرد.

از آنجا که هریک از ۱۲ پرسش مربوط به هریک از ۵ موقعیت فرضی آزمون تبیین مسائل ۲، بیانگر یکی از سه طرحواره اخلاقی است، ضرایب اولویت‌دهی‌ها نشان‌دهنده میزان کاربرد طرحواره‌ها برای تصمیم‌گیری در مورد چالش اخلاقی موقعیت‌های فرضی است و هر طرحواره می‌تواند نمره‌ای مابین صفر تا ۵۰ به دست آورد. چراکه مجموع ضرایب برای هر موقعیت فرضی حداکثر ۱۰ است (۱+۲+۳+۴). باتوجه به اینکه ۵ موقعیت فرضی در آزمون تبیین مسائل ۲ مطرح شده است، حداکثر نمره برای طرحواره‌های اخلاقی نمره ۵ خواهد بود. روایی آزمون توسط متخصصان تربیت بدنی تأیید و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷ ارزیابی شد.

1 . Morgan table

برای اندازه‌گیری گرایش به رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز از پرسشنامه عدالت اجتماعی راسینسکی و فلدمن^۱ استفاده شد. پرسشنامه عدالت اجتماعی راسینسکی (۱۹۸۷) دارای ۱۲ سؤال است و هر سه سؤال آن (هر زیر مقیاس) به یکی از رویکردهای فردگرایی اقتصادی (پرسش‌های ۱، ۵ و ۹)، انصاف (پرسش‌های ۲، ۶ و ۱۰)، برابری (پرسش‌های ۳، ۷ و ۱۱) و مبتنی بر نیاز (پرسش‌های ۴، ۸ و ۱۲) تعلق دارند.

پاسخگویان باید نظرشان در مورد هر پرسش را در طیفی لیکرتی از بسیار مخالفم تا بسیار موافقم (با نمره ۱ تا ۵) مشخص کنند. روایی آزمون توسط متخصصان تربیت بدنی تأیید و پایایی این پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۰ ارزیابی شد.

داده‌های این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد. شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی شامل میانگین و انحراف معیار، برای ارائه اطلاعات توصیفی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. همچنین ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی ارتباط طرحواره‌های اخلاقی (سه طرحواره نفع شخصی، پاسداشت هنجارها و تفکر پس‌عرضی) با رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز به کار گرفته شد و به منظور پیش‌بینی متغیر ملاک (رویکرد به عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز) با کمک متغیرهای پیش‌بین (طرحواره‌های اخلاقی) از تحلیل واریانس و رگرسیون چندگانه با روش گام به گام استفاده شد.

نتایج و یافته‌های تحقیق

الف) نتایج توصیفی

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای اصلی (ملاک و پیش‌بین) پژوهش یعنی سه طرحواره اخلاقی و رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز شامل میانگین، انحراف معیار، واریانس، دامنه، مقدار کمیته و مقدار بیشینه ارائه شده است.

¹ Russinski and Feldhman

جدول ۱ - شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد	دامنه	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	واریانس
طرحواره نفع شخصی	۳۴۱	۲۴	۰	۲۴	۱۰/۱۷	۵/۵۱	۳۰/۳۱
طرحواره پاسداشت هنجارها	۳۴۱	۲۷	۴	۳۱	۱۸/۴۷	۵/۱۱	۲۶/۱۴
طرحواره تفکر پس عرفی	۳۴۱	۳۶	۰	۳۶	۱۸/۶۲	۷/۱۸	۵۱/۴۹
رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز	۳۴۱	۲۳	۷	۳۰	۱۱/۹۹	۲/۴۲	۵/۸۶

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، از بین سه طرحواره اخلاقی، طرحواره تفکر پس عرفی دارای بیشترین میانگین (۱۸/۶۲) و طرحواره نفع شخصی دارای کمترین میانگین (۱۰/۱۷) است. همچنین رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز دارای میانگین ۱۱/۹۹، انحراف معیار ۲/۴۲ و واریانس ۵/۸۶ است.

در جدول ۲ آمارهای توصیفی تعداد، میانگین و انحراف معیار مربوط به رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز به تفکیک مقطع تحصیلی شرکت‌کنندگان در پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲ - تعداد، میانگین و انحراف استاندارد رویکرد به عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز به تفکیک

مقطع تحصیلی

شاخص توصیفی		رویکرد به عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز	
تعداد	میانگین	انحراف معیار	
مقطع متوسطه	۱۱۶	۱۲/۳۴	۲/۷۹
مقطع کارشناسی	۲۰۹	۱۱/۷۶	۲/۱۶
مقطع ارشد	۱۶	۱۲/۳۱	۲/۴۹

بر مبنای داده‌های جدول ۲ در رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز بیشترین میانگین برای مقطع متوسطه با میانگین ۱۲/۳۴، انحراف معیار ۲/۷۹ و کمترین میانگین برای مقطع کارشناسی با میانگین ۱۱/۷۶ و انحراف معیار ۲/۱۶ تعلق دارد.

نتایج و یافته‌های تحقیق

عدالت اجتماعی به رویکردهای فردگرایی اقتصادی، انصاف، برابری و نیاز تقسیم می‌شود. در این پژوهش سعی شده است به بررسی دقیق‌تر و جامع‌تر رویکرد نیاز توجه شود و دیگر رویکردهای عدالت اجتماعی صرفاً به‌منظور آگاهی و یادآوری ارائه شده و از حوصله این بحث خارج است.

جدول ۳ - ضرایب همبستگی بین طرحواره‌های اخلاقی و رویکردها به عدالت اجتماعی

رویکرد عدالت	رویکرد فردگرایی اقتصادی	رویکرد انصاف	رویکرد برابری	رویکرد مبتنی بر نیاز
طرحواره های اخلاقی	۰/۲۲۷	۰/۰۴۹	۰/۰۴۶	۰/۲۲۹
طرحواره نفع شخصی	۰/۱۸۸	۰/۰۵۸	۰/۱۳۲	۰/۱۱۱
طرحواره پاسداشت هنجارها	۰/۰۳	۰/۰۰۶	۰/۰۶۵	۰/۲۶۴
طرحواره تفکر پس عرفی				

بر مبنای داده‌های جدول ۳، بین طرحواره نفع شخصی و رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز ($r = 0/229$) و همچنین طرحواره تفکر پس عرفی با رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز ($r = 0/264$) رابطه معناداری وجود دارد.

به‌منظور پیش‌بینی رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز با کمک طرحواره‌های اخلاقی از رگرسیون چندگانه استفاده شد. در جدول ۴ تحلیل رگرسیون (همبستگی چندگانه) رویکرد مبتنی بر نیاز و طرحواره‌های اخلاقی ارائه شده است.

جدول ۴ - ضرایب همبستگی چندگانه با واریانس تبیین شده برای پیش‌بینی رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز با توجه به طرحواره‌های اخلاقی

معناداری	خطای استاندارد برآورد	واریانس تعدیل شده	مجدور همبستگی (واریانس تبیین شده)	همبستگی چندگانه
۰/۰۰	۲/۳۴	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۲۸

مطابق یافته‌های جدول ۴ همبستگی بین رویکرد مبتنی بر نیاز از یک طرف و طرحواره‌های اخلاقی از طرف دیگر ($r = 0/28$) محاسبه شده است. اگر این ضرایب به توان دو برسد، برابر با $0/08$ می‌شود و نشان می‌دهد که حدود ۷ درصد واریانس یا تفاوت‌های فردی در رویکرد به نیاز مربوط به واریانس یا تفاوت‌های فردی در طرحواره‌های اخلاقی است. این همبستگی از نظر آماری معنادار بوده ($p = 0$) و خطای استاندارد برآورد برابر با $2/34$ است.

در جدول ۵ نتایج تحلیل واریانس و رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی رویکرد به عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز نشان داده شده است ($F=9/29$, $p=0/00$).

جدول ۵ - نتایج تحلیل واریانس و رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی رویکرد به عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	f	معناداری
رگرسیون	۱۵۲/۰۹	۳	۵۰/۷۰	۹/۲۹	۰/۰۰
باقیمانده	۱۸۳۸/۸۴	۳۳۷	۵/۴۶	—	—
کل	۱۹۹۰/۹۳	۳۴۰	—	—	—

داده‌های جدول ۵ نتایج تحلیل واریانس و اعتبار تحلیل رگرسیون انجام گرفته برای پیش‌بینی رویکرد به عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز را از طریق طرحواره‌های اخلاقی تأیید کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر رابطه بین طرحواره‌های اخلاقی و رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز در کشتی‌گیران بررسی شد. باتوجه به یافته‌های جدول ۳، مشاهده شد که از میان طرحواره‌های اخلاقی تنها طرحواره‌های نفع شخصی و تفکر پس‌عرفی با رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز رابطه معناداری دارند. بر مبنای یافته‌های این پژوهش طرحواره تفکر پس‌عرفی بیشترین ارتباط را با رویکرد نیاز دارد و در واقع هر اندازه که فرد در استدلال‌ها

و تصمیم‌گیری‌هایش از طرحواره تفکر پس‌عرفی بیشتر بهره می‌گیرد، به رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز متمایل می‌شود و در این حالت خود را در جای افراد و افراد را در جای خود قرار می‌دهد و از منظر و دیدگاه آنان به جهان پیرامون نگاه می‌کند. از این‌رو افراد را به این اصل معتقد می‌شوند که همه انسان‌ها حقوقی مساوی و هم‌شأن ولی مشابه دارند که باید مراعات شده و محترم شمرده شود. از جمله این حقوق، حق برآورده شدن نیازهای اولیه و اساسی است که دربرگیرنده نیازهای اقتصادی برای زندگی با حداقل رفاه و امکانات لازم است. این نتایج با نتایج تحقیقات وندن باس (۲۰۰۳) (۲۵)، میدلتین (۲۰۱۰) (۲۰)، ناروز (۲۰۰۸) (۲۲)، والکر (۲۰۰۴) (۲۶)، گانزبورگر، وگنر و نوشیان (۱۹۷۷) (۱۶)، سرداری (۱۳۸۸) (۲)، میری و هلگاما (۲۰۰۲) (۲۱)، رست و همکاران (۱۹۹۹) (۲۴)، هلگاما (۲۰۰۳) (۱۷)، ناروز و بوک (۲۰۰۹) (۲۳)، حیدری (۱۳۸۵) (۱)، عریضی (۱۳۸۴) (۷) ولی بیگی (۱۳۷۸) (۱۴)، نوبخت (۱۳۷۳) (۱۲) و فیشر و سویینی (۱۹۹۸) (۱۵) همخوانی دارد.

محققان مذکور بیان می‌کنند افرادی که با به‌کارگیری طرحواره تفکر پس‌عرفی درباره مسائل اخلاقی استدلال می‌کنند، برآورده شدن نیاز هر انسان به‌صورت حداقلی را یک حق اساسی و ذاتی برای او می‌دانند و بر این مبنا در مورد مسائل و دوره‌های اخلاقی قضاوت و تصمیم‌گیری می‌کنند. از سوی دیگر، نتایج این تحقیق با یافته‌های کاظمی‌پور (۱۳۸۲) و سیاهپوش (۱۳۸۱) همخوانی ندارد. محققان مذکور گرایش بالایی به تعریف عدالت براساس شایستگی و برابری بین افراد دارند (۵، ۳). آنها کمتر تعریف عدالت براساس نیاز را می‌پذیرند که دلیل این تفاوت را همان‌طور که ایلکیان و فیلیز بیان می‌کنند، می‌توان این‌گونه توجیه کرد که بین فرهنگ‌ها و افراد از نظر گرایش به عدالت اجتماعی تفاوت وجود دارد (۱۳).

براساس یافته‌های دیگر این پژوهش استفاده از طرحواره نفع شخصی در استدلال‌های اخلاقی با رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز رابطه معناداری وجود دارد که رابطه آن با نیاز را شاید بتوان این‌گونه توجیه کرد حتی افرادی که به سودمندی و منفعت‌طلبی شخصی خود می‌اندیشند، در صورتی که منافع افراد دیگر با منافع آنها تضادی نداشته باشد، مخالفتی با آن ندارند. مانند زمانی که دولت برای تأمین نیازهای اولیه افراد تلاش می‌کند. بخشی از یافته‌های این پژوهش با یافته‌های وندورف و همکاران (۲۰۰۲) در مورد رابطه مثبت طرحواره

تفکر پس‌عرفی با رویکرد عدالت اجتماعی مبتنی بر نیاز همخوانی دارد (۲۷)، ولی در مورد رابطه مثبت طرحواره پاسداشت هنجارها با رویکرد نیاز که در این پژوهش رابطه معناداری نداشت، مغایر است.

در مورد یافته‌های حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه که نتایج آن در قسمت یافته‌ها ارائه شد، طرحواره تفکر پس‌عرفی پیش‌بینی‌کننده بهتری برای رویکرد نیاز است (جدول ۳) و در این مورد خاص نقش تعیین‌کننده طرحواره نفع شخصی جای خود را به تأثیر ژرف اندیشیدن و استدلال کردن براساس لازمه‌های طرحواره تفکر پس‌عرفی می‌دهد. به‌عبارتی ملاک و معیار برآورده شدن نیازهای اساسی همه افراد که لازمه رعایت حقوق و شأن ذاتی آنهاست، ملاکی است که فقط به‌واسطه دست یافتن به سطوح اندیشه و استدلال و اخلاقی سطح تفکر پس‌عرفی ملکه ذهن افراد می‌شود و آنها را وامی‌دارد در قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی، گاهی حتی به قیمت ضرر شخصی و از دست رفتن منافع فردی، نیازهای انسانی و حقوق مادی و اخلاقی دیگر افراد را به‌عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در نظر بگیرد که فقدان این اصل در ورزش، آن را به ورطه تباهی و صرفاً وسیله‌ای به‌عنوان ابزار دقت و ورزش و رقابت فقط برای قهرمانی می‌کشاند و آن را از اهداف اصلی خود که کمال جسمی و روحی فرد است، دور می‌کند.

به‌طورکلی نتایج اندازه در رویکرد به عدالت نیز دغدغه جدی‌تر در مورد دیگران، نیازها و حقوق قضیه را اثبات می‌کند. در ورزش‌های قهرمانی (به‌ویژه ورزش‌های انفرادی) قهرمانان نخبه ورزشی به‌عنوان الگوی مرجع بین ورزشکاران جوان و نوجوان مطرح بوده و نفوذ فوق‌العاده‌ای در جهت‌دهی رفتارها، نگرش‌ها و نحوه مراودات داشته‌اند. براین اساس باید پذیرفت که چنانچه ورزشکاران ممتاز به‌ویژه کشتی که در ایران پیوسته یا مفاهیم ارزشی و اصول اخلاقی مانند سجایای اخلاقی، جوانمردی، گذشت و ایثار همراه بوده، بتوانند ارزش‌های اخلاقی را در کنار مهارت‌های فعلی در خود پرورش دهند، ورزشکاران جوان داشته باشند که می‌توان نمونه بارز آن را در عصر حاضر جهان پهلوان تختی معرفی کرد که ماندگاری وی در عرصه ورزش بیش از آنکه مربوط به مهارت‌های فنی باشد، به خصوصیات اخلاقی و اجتماعی‌گرایی و مردم‌دوستی وی اشاره دارد و همواره نماد و الگوی مناسبی برای ورزشکاران بوده است.

در پایان برای غنای بیشتر و امکان تعمیم نتایج پیشنهاد می‌شود که این تحقیق در بین ورزشکاران رشته‌های دیگر نیز بررسی شود تا امکان مقایسه و بررسی گسترده‌تر آن فراهم آید.

منابع و مأخذ

۱. حیدری، مزگان. (۱۳۸۵). "اخلاق در مربیگری". فصلنامه پیک نور، سال چهارم، شماره ۳، ص ۱۱۱ - ۱۰۶.
۲. سرداری، مهران. (۱۳۸۸). "رابطه بین سطوح تحول اخلاقی و رویکردهای عدالت توزیعی در کشتی‌گیران استان گلستان". نشریه پژوهش در علوم ورزشی، مطالعات مدیریت ورزشی، شماره ۹، دوره سوم، بهار ۹۰.
۳. سیاهپوش، امیر. (۱۳۸۱). "عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان به عدالت و آزادی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۴. سیف، سوسن؛ کدیور، پروین؛ کرمی نوری، رضا؛ لطف آبادی، حسن. (۱۳۸۲). "روان‌شناسی رشد (۱)". تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
۵. عریضی، حمیدرضا. (۱۳۸۳). "رویکردهای عدالت اجتماعی در بین معلمان شهر اصفهان". فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۳، اصفهان، مجله علوم روانشناختی، شماره ۱۷ و ۱۵، ص ۵۸ - ۳۵.
۶. عریضی، حمیدرضا. گل پرور، محسن (۱۳۸۵). "رابطه عدالت اجتماعی با گرایش اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان". مجله علوم روانشناختی، شماره ۱۵ و ۱۷، ص ۵۸ - ۳۵.
۷. عریضی، حمیدرضا. مرانی، محمود. (۱۳۸۴). "تأثیر جنسیت و درون‌داد توزیع‌کنندگان منابع و هنجارهای عدالت اجتماعی بر میزان مقبولیت آنها". مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)، شماره ۱۹، جلد ۲، ص ۲۲۳ - ۲۰۷.
۸. قاسم‌زاده، حبیب‌اله. (۱۳۷۸). "شناخت و عاطفه: جنبه‌های بالینی و اجتماعی". تهران: انتشارات فرهنگان.
۹. قربانزاده، علی. (۱۳۸۵). "رابطه سطوح تحول اخلاقی و رویکردها به عدالت اجتماعی در میان دانش‌آموزان متوسطه و دانشجویان کارشناسی و کارشناسی‌ارشد شهر اصفهان". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی.

۱۰. مؤمنی روستایی، عبدالله. (۱۳۸۳). "بررسی رابطه بین نگرش به عدالت اجتماعی و نگرش به رفاه اجتماعی در بین دانشجویان فعال سیاسی و عادی دانشگاه علامه طباطبایی". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی (چاپ نشده)، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
۱۱. مهرطلب، پگاه. (۱۳۸۳). "بررسی سؤگیری‌های حافظه آشکار و نهان در افسردگی و اضطراب اجتماعی". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روانشناسی بالینی (چاپ نشده). دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
۱۲. نوبخت، محمد. (۱۳۷۳). "بررسی رابطه بین قضاوت اخلاقی و منبع کنترل در بین دانش‌آموزان پسر و دختر کلاس سوم متوسطه شهرستان استهبان". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه تربیت مدرس تهران، دانشکده علوم انسانی.
۱۳. وایت، اس. (۱۳۸۰). "خرد، عدالت و نوگرایی (نگاهی به نوشته‌های اخیر یورگن هابرماس)". ترجمه محمد حریری اکبری، تهران: نشر قطره.
۱۴. ولی بیگی، منصوره. (۱۳۷۸). "بررسی رابطه عزت نفس با قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان سال سوم دوره متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۷۸ - ۱۳۷۷". پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد (چاپ نشده)، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده علوم تربیتی.

15. Fisher, D. G. and Sweeney, J. T. (1998). "The relationship between pliotocal attiudes and moral judgment". *Examining the validity of the defining issues test. Journal of business ethics*, 17, PP:905-916.

16. Gunzburger, D. W. Wegner, D. M. and Nooshian. L. A. (1977). "Moral judgment and distributive justice". *Human development*, 20. PP:160-170.

17. Helkama, K., Uutela, A., Pohjanheimo, E., Salimon, S., Koponen, A. and Rantanen Vantsi, L. (2003). "Moral reasoning and Values in Medical school: a longitudinal study in finland". *Scandinavian Journal of educational research*. 47, 4. PP:399-411.

18. Hoffman, M. L. (2000). "Empathy and moral development: implications for caring and justice cambridge". UK: cambridge university press.
19. Lerner M. J. (1998). "The two forms of behalf in a just world: some thoughts on why people care about justice". In L. Noted and M: J. Lerner (Eds). Responses to victimization and behalf in a just world (PP. 247-296). New York: Plenum.
20. Middletin, D. (2010). "The moral foundatins of social justice". Political studies association, 4, PP:74-89.
21. Myyry, L. and Helkama, K. (2002). "Moral reasoning and the use of procedural justice rules in hypothetical dilemmas". Social justice research, 15, 1. 111-123 and Real life.
22. Narvaez, D. (2008). "Moral judgment and theory. Seminar on moral education: treds and direction". Unviersity of Malaya, Kuala Lampur, 22, July 2002.
23. Narvaez, D. and Bock, T. (2009). "Moral schemas and tacit judgment or how defining issues test is supported by cognitive science". Journal of moral education, 31, 3. PP:297-314.
24. Rest, J. Narvaez, D. Bebeau, M. J. and Thomas, J. (1999). "A neo kohlbergian approach: the Dit and Schema theory". Educational Psychology Review. 11, 4,PP: 291-323.
25. Vanden Bos, K. (2003). "On the subjective quality of social justice: the role of affect as information in psychology of moral judgments". Journal of Personality and Social Psychdogy. 85, 3. PP:482-498.
26. Walker, L. (2004). "Progress and prospects in the psycholigy of moral development". Merrill – Palmer Quarterly. 50. 4, PP:546-557.

27. Wendorf, C. A, Alexander, S. and Fireston, I. J. (2002). "Social justice and moral reasoning: an empirical integration of two paradigms in psychological research". *Social justice research*. 15, 1. PP:19-39.